

جریان شناسی فرهنگ انتظار (۲)

جریان شناسی فرهنگ انتظار در تبار شناسی صهیونیزم:

خداوند در قرآن، یهود را به عنوان دشمن ما معرفی می‌کند. برای نمونه سه آیه از قرآن را بیان می‌کنیم:

- «خطرناک‌ترین دشمن شما یهود است.» (مائده/۸۹)
 - «یهود و نصاری را اولیای خود نگیرید.» (مائده/۵۱)
 - «اینها از شما راضی نمی‌شوند مگر اینکه تابعشان شوید.» (بقره/۱۲۰)
- منظور از یهود و نصارا، در آیات قرآن چه کسانی هستند؟
برای اینکه یهود و نصارا را بشناسیم، باید جریانی ۳۰۰۰ ساله را بررسی کنیم.

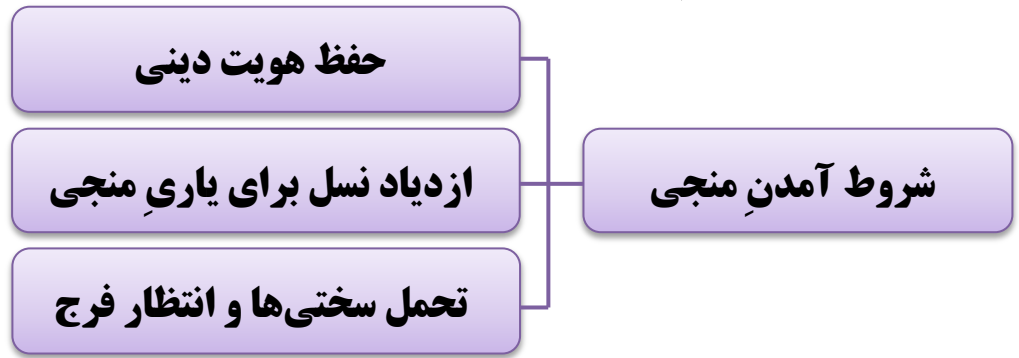
❖ سیر حرکتی حضرت ابراهیم، اسماعیل و اسحاق:

حضرت ابراهیم بعد از درگیری با نمرو، مجبور به مهاجرت از بابل به بیت المقدس می‌شود. ایشان بالای کوهی به نام «مریا»، محلی برای عبادت خود قرار داد و آئین ابراهیمی را از بیت المقدس به تمام جهان گسترش داد. حضرت ابراهیم در ۸۶ سالگی، صاحب فرزندی به نام اسماعیل شد. به دستور پروردگار؛ ابراهیم، اسماعیل و مادرش را به مکه آورد و آئین ابراهیمی، توسط حضرت اسماعیل در مکه توسعه پیدا کرد. حضرت ابراهیم در ۱۰۰ سالگی صاحب فرزند دیگری به نام اسحاق شد. حضرت اسحاق منادی آئین ابراهیمی در بیت المقدس است.

❖ سیر حرکتی حضرت یعقوب و حضرت یوسف:

نبوت از شاخه‌ی اسحاق ادامه پیدا می‌کند. بعد از حضرت اسحاق نوبت به حضرت یعقوب می‌رسد. لقب یعقوب، اسرائیل است. او ۱۲ فرزند داشت، به فرزندان او به اعتبار لقب پدر، بنی‌اسرائیل می‌گفتند. بعد از یعقوب، نبوت به حضرت یوسف می‌رسد. دست تقدیر یوسف را به مصر کشاند، او عزیز مصر شد و بنی‌اسرائیل به همراه پدرشان، یعقوب، از بیت المقدس به مصر مهاجرت کردند. بعد از مرگ حضرت یوسف، در مصر، قدرت به دست کاهنان معبد افتاد و بنی‌اسرائیل شرایط سختی را تجربه کردند. یوسف که در زمان زنده بودنش از آینده بنی‌اسرائیل آگاه بود، برای آنها نقطه‌ی امیدی را

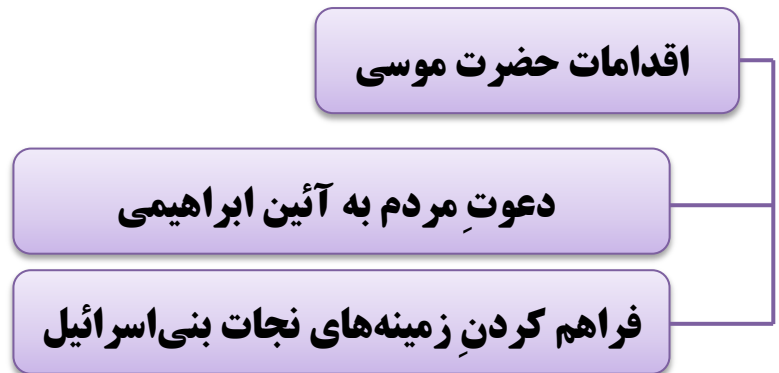
ترسیم کرد و بشارت آمدن منجی را به آنها داد.



بنی اسرائیل به این سه شرط عمل کردند و با دعا، ظهور منجی خود، حضرت موسی را ۱۷۰ سال به جلو انداختند.

❖ سیر حرکتی حضرت موسی:

حضرت موسی متولد شد و بعد از ۴۰ سال به رسالت مبعوث شد.



حضرت موسی بنی اسرائیل را از رود نیل عبور داد و به صحرای سینا رساند. در آنجا اردوگاه آموزشی زد و آنها را ساماندهی کرد؛ اما زمانی که تصمیم گرفت نیروها را به بیت المقدس ببرد، آنها سرپیچی کردند و همین موضوع باعث سرگردانی ۴۰ ساله‌ی آنها شد.

❖ بنی اسرائیل؛ بعد از حضرت موسی و قبل از حضرت عیسی:

بنی اسرائیل بعد از ۴۰ سال سرگردانی، به سراغ یوشع بن نون رفتند، جناب یوشع، طالوت را به عنوان فرمانده، به آنها معرفی کرد و آنها به کمک طالوت توانستند بیت المقدس را بگیرند. بعد از طالوت، حضرت داوود به پادشاهی رسید. او موفق شد آئین ابراهیمی را در کل منطقه نیل تا فرات توسعه بدهد. بعد از آن نوبت به حضرت سلیمان رسید و سلیمان موفق شد حکومت جهانی تشکیل دهد و کل عالم را در سیطره‌ی خود قرار دهد.

قرآن دلیل این عظمت را، اطاعت بنی اسرائیل از پیامبرانش می‌داند،

زیرا انبیا الهی حجت خدا و بلد راه هستند.

در اواخر عمر سلیمان، بهانه‌گیری‌ها و لجاجت‌های بنی اسرائیل دوباره شروع شد و شخصی به نام

«یربعام» در بین بنی اسرائیل، تشکیلات خود مختاری ایجاد کرد. یربعام دولت اسرائیل را، ۹۳۰ سال قبل از میلاد مسیح تشکیل داد. این دولت، معتقد به برتری نژاد یهود بود. از طرفی بعد از فوت حضرت سلیمان، پادشاهی به «رحبعام» رسید. او دولت خودش را، دولت یهودا نامید. این دو دولت با هم درگیر شدند و درگیری آنها بیش از ۷۴ سال طول کشید؛ تا اینکه آشوریان آمدند و هر دو دولت را از بین بردند. اعضای هر دو دولت پراکنده شدند و تصمیم گرفتند دوباره قدرت بگیرند و به بیت المقدس برگردند.

❖ بنی اسرائیل و مسیحیت:

در ادامه‌ی حرکت، خداوند حضرت مسیح را از بین بنی اسرائیل به پیامبری برگزید. آن دسته از یهودیانی که با پیامبرانشان سازگاری داشتند، به حضرت مسیح ایمان آوردند و مسیحیت شکل گرفت و آن دسته که به برتری نژادی عقیده داشتند، به مخالفت با مسیح برخاستند. در هر جای قرآن، که از لفظ یهود با بار منفی استفاده شده است، منظور این عده از یهودیان خود مختار هستند. یهود یا صهیونیزم در ادامه حرکتشان، سعی کردند جلوی ترویج مسیحیت را بگیرند، اما ناکام ماندند؛ پس تصمیم گرفتند، مسیحیت را منحرف کنند.

«صهیون» نام دیگر کوه مریا، محل عبادت ابراهیم است، که بعدها کاخ سلیمان در آنجا ساخته شد. «پلس»، فردی بود که در مسیحیت انحراف به وجود آورد و مسیحیت به دو گروه، موحد و سه‌گانه‌پرست (تثلیث‌گرا) تقسیم شد. در هر جای قرآن که از لفظ نصارا با بار منفی یاد شده، منظور همین مسیحیت تثلیث‌گراست. مسیحیت موحد با ظهور پیامبر آخرالزمان، به دین اسلام روی آوردند و مسلمان شدند.

❖ یهود و اسلام:

با ظهور اسلام، یهود و نصارا برای مقابله با آن، جبهه مشترکی تشکیل دادند که ضلع سوم را سازمان نفاق تشکیل می‌داد. بعد از ظهور اسلام، یهود کماکان در بیت المقدس حضور داشت تا زمانی که اسلام وارد بیت المقدس شد. بیت المقدس در زمان خلیفه دوم به دست عمرو عاص فتح شد. و به علت وجود قرآن در بین مسلمانان و همچنین جریان بیدار امامت؛ عرصه بر یهود تنگ شد و مجبور به ترک بیت المقدس شدند. یهودیانی که بیت المقدس را ترک کردن، بخشی به اروپا، بخشی به آسیا و بخشی به آفریقا مهاجرت کردند. هدفشان از مهاجرت این بود که بتوانند با تقویت بنیه اقتصادی و افزایش نیروی انسانی، دوباره به بیت المقدس برگشته، مسلمانان را بیرون و مسجد را خراب کنند، معبد سلیمان را از نو بنا کرده و بتوانند حاکمیت جهانی خود را آغاز کنند.

❖ یهود و مهاجرت به اروپا:

زمانی که یهودیان به اروپا مهاجرت کردند، اروپا در وضعیت نامناسبی قرار داشت. جنگ بربرها، از یک طرف و نبرد گلا دیاتورها و هم چنین جنگ‌های صلیبی از طرف دیگر، اوضاع اروپا را نابسامان کرده بود.

در همین زمان، کلیساها نیز دانشمندان و عالمانی که برخلاف کلیسا حرف می‌زدند را، تحت عنوان تفتیش عقاید، قتل عام می‌کردند. تنها کاری که یهود در این دوران توانست انجام دهد، تقویت بنیه اقتصادی خود بود. اما اروپا هم جای امنی نبود؛ پس یهودیان مجبور شدند دنبال نقطه امنی بگردند تا بتوانند در آن مکان، دولتی زمینه‌ساز تشکیل بدهند. به عبارتی هم بتوانند ثروت کسب کنند و هم قدرت به دست بیاورند.

❖ یهود و مهاجرت به آمریکا:

یهودیان برای یافتن مکان مناسب برای تشکیل دولت زمینه‌ساز، به ستاره‌شناس معروفی به نام «ساموئل زاکاتو» متوسل شدند. این فرد با بررسی مختصات جغرافیایی، یک مکان امن تعیین کرد و اطلاعات خود را در اختیار یهودیان قرار داد. یهودیان، جوانی ماجراجو از هلند، به نام «جان کولن» را، برای پیدا کردن این مکان مأمور کردند و او را با نام مستعار «کریستف کلمب» و به عنوان یک منجی‌گرای مسیحی معرفی کردند. موج حرکت کریستف کلمب و موج‌های بعدی که با مدیریت یهود، به آمریکا وارد می‌شوند، فقط در طول ۴ سده بیش از ۹۵ میلیون بومی آمریکا را قتل عام می‌کنند.

❖ یهود و ظهور پروتستانتیسم:

قرن ۱۶ میلادی، در اروپا دوران رنسانس شروع شد. در این دوره، به دلیل عملکرد کلیسا، در بین مردم، دین‌گریزی اجتماعی ایجاد شد و به دلیل دین‌خواهی فطری؛ زمینه‌ی انحراف به وجود آمد. در این میان فردی نفوذی به نام «مارتین لوتر» به بهانه نهضت اصلاح دینی، مکتب جدیدی به نام پروتستانتیسم را، بنیان گذاشت. مکتب پروتستانتیسم، مکتبی یهودگرا بود که مسیحیت را از لحاظ اعتقادی به یهود وابسته کند. در این مکتب که در واقع مسیحیت صهیونیسم است، از یهودیان به عنوان نژاد و قوم برتر و تنها کسانی که می‌توانند زمینه را برای بازگشت مسیح فراهم کنند، یاد می‌شود. «لوتر» با همکاری «کالوین»، کار را از انگلستان شروع کردند؛ اما بعد از درگیری با کلیسای کاتولیک، مجبور به مهاجرت شدند و کارشان را در آمریکا ادامه دادند. نطفه مسیحیت در آمریکا، با پروتستانتیسم یهودگرا گذاشته شد. در واقع، نفوذ یهود در آمریکا و اروپا، برخاسته از یک مکتب و نهاد دینی است. شعار کریستف کلمب در هنگام رفتن به آمریکا، بازگشت دوباره مسیح بود. پروتستانتیسم هم بر همین موج، سوار شد.

❖ یهود و پیشگویی‌های آخرالزمانی:

با توسعه پروتستانتیسم در قرن ۱۶ میلادی، موج دیگری که مبتنی بر پیشگویی‌های آخرالزمانی بود، در اروپا شروع شد. **نوستراداموس** اولین کسی بود که این پیشگویی‌ها را مطرح کرد. یکی از موج‌هایی که

نوستراداموس با پیشگویی‌هایش در اروپا و آمریکا راه انداخت، موج اسلام‌هراسی بود. نوستراداموس یهودی‌زاده می‌گوید: «بدانید خطری جدی شما را تهدید می‌کند؛ آن هم خطر جهانی شدن اسلام است» در حال حاضر، همین موج بر فیلم‌های هالیوودی سوار است و کارش اسلام‌هراسی و به ویژه شیعه‌هراسی است. البته فقط به فیلم و کتاب و سایت اکتفا نکردند، بلکه مراکز آکادمیک شیعه‌شناسی و اسلام‌شناسی فعال در آمریکا و اروپا، به طور جدی به دنبال راهکاری برای براندازی اسلام به خصوص شیعه هستند. جنبش دیگری که در زمینه‌ی پیشگویی، در قرن ۱۸ میلادی شکل گرفت، جنبش تدبیری **داری** بود. او پیشگویی کرد که مسیح، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ ظهور خواهد کرد.

علائم حتمی ظهور، در پیشگویی داری

بازگشت یهودیان به بیت المقدس

تخریب مسجدالاقصی و مسجد صخره در قدس

احداث مجدد معبد سلیمان

فراگیر شدن رعب و وحشت در سراسر جهان به ویژه آمریکا

وقوع نبرد مقدس آرمادون

❖ سیر حرکتی صهیونیسم در قرن ۲۰:

طبق نظریه‌ی داری، برای ظهور مسیح، یهودیان باید به بیت المقدس برگردند؛ اما مشکلی که آنها با آن رو به رو بودند، وجود امپراطوری عظیمی به نام عثمانی بود. به همین دلیل سراغ برنامه‌ای برای فروپاشی امپراطوری عثمانی رفتند. تلاش یهودیان برای نابودی عثمانی، منجر به تدوین مجموعه‌ای با نام پروتکل‌های دانشوران صهیونیست، برای تشکیل حکومت جهانی یهود، در سال ۱۹۰۱ شد. این پروتکل مجموعه‌ای از ۲۴ دستورالعمل است. بعد از تدوین پروتکل، اتفاق دوم یعنی سلطه کامل صهیونیست بر آمریکا اتفاق افتاد. از سال ۱۹۱۷ هیچ دولت و هیچ مجلس سنایی در آمریکا شکل نگرفت مگر با انتخاب صهیونیسم. و سرانجام ورود آمریکا به عرصه جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۲۵ میلادی، منجر به فروپاشی امپراطوری عثمانی شد. با تجزیه‌ی امپراطوری عثمانی، قیومیت فلسطین به انگلستان سپرده شد. انگلیسی‌ها با کمک آمریکایی‌ها و همینطور بلوک شرق، زمینه را برای حضور یهودی‌ها در فلسطین فراهم کردند که نهایتاً منجر به تشکیل اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی شد. آنها موفق شدند در اولین

گام، خودشان را به بیت المقدس برسانند و قدس را در اختیار بگیرند. اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸، از کمک‌های دو عنصر کلوپ‌های روتاری و جمعیت‌های فراماسونری استفاده کرد. کار کلوپ‌های روتاری این بود که افراد تیزهوش، در سایر کشورها را شناسایی می‌کردند و آنها را به بهانه ادامه تحصیل به اروپا و آمریکا می‌بردند و آنها در آنجا تحت تربیت و نظارت جمعیت‌های فراماسونری قرار می‌گرفتند. در نهایت این افراد به عنوان اشخاص تحصیل کرده به کشورهایشان برمی‌گشتند و در کشور خود، به «نماد روشنفکری» تبدیل می‌شدند.

❖ اسرائیل و دشمن جدیدی به نام جمهوری اسلامی ایران:

با تشکیل دولت اسرائیل، تمامی کشورهای همسایه، از جمله ایران، توسط جمعیت فراماسونری جذب اسرائیل شدند و روابط خوبی با اسرائیل داشتند. اما کم‌کم شرایط تغییر کرد.

حوادث مهم ایران در خلال سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸

انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

در قیام ۱۵ خرداد، سازمان شیعه عملیاتی شد و امام خمینی وارد صحنه‌ی سیاسی بین‌الملل شد. با وجود همه‌ی موانعی که جلوی راه امام بود، ایشان توانست شیعیان را سازماندهی کند و در نهایت در سال ۵۷، انقلاب اسلامی پیروز شد. با انقلاب اسلامی، ایران به عنوان یک مشکل بزرگ برای اسرائیل در منطقه ایجاد شد.

صهیونیست‌ها برای از بین بردن این مشکل، به هر کاری متوسل شدند. از ترورهای سال ۶۰ تا جنگ تحمیلی، از فتنه‌هایی که در کشور ایجاد کردند تا تحریم‌های اقتصادی؛ همه و همه برای این بود که بتوانند ایران را دوباره با خود همراه کنند؛ اما نه تنها موفق نشدند، بلکه اکنون کشورهای عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین نیز، با ایران همراه شده‌اند.

حال ما شیعیان در خط مقدم مبارزه هستیم و رمز موفقیت ما اطاعت از ولی فقیه است.

تدریس استاد حامدی

موضوع: جریان شناسی فرهنگ انتظار

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)